

اندیشه و زبان کودکان از منظر مولانا

علی محمد مؤذنی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

سال نوزدهم، شماره نهم، آذر ۱۴۰۵، شماره پی در پی ۱۲۷، صص ۲۴۴-۲۳۷

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.19.8370>

نشریه علمی سبکشناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: در سنت کلاسیک فارسی، ادبیات کودک و نوجوان به معنای امروزی آن ژانری مستقل نبود؛ با این حال، مولانا در مثنوی و فیه مافیه به تناسب سخن با فهم مخاطب، جهان مفهومی کودک، نقش شنیدن در گفتار و ضرورت سخن گفتن به زبان کودک توجه کرده است. هدف پژوهش، بازخوانی این اشارات در قالب الگویی از نسبت زبان و اندیشه و بررسی دلالت‌های آن برای ادبیات کودک امروز است.

روش پژوهش: روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و تطبیقی است. شواهد منتخب از مثنوی و فیه مافیه در پنج محور تناسب زبان و فهم، رشد واژگانی، شنیدن و گفتار، هم‌زمانی و تعامل، و گسترش معنا دسته‌بندی و با رعایت تفاوت تاریخی و روش‌شناختی با برخی آرای ویگوتسکی مقایسه شده‌اند.

یافته‌ها: مولانا میان جهان مفهومی کودک و استدلال بزرگسال تمایز مینهد، زبان مؤثر را متناسب با فهم کودک می‌خواهد، برای ورودی شنیداری و تعامل در شکل‌گیری گفتار اهمیت قائل است و رشد معنا را با تجربه پیوند می‌دهد. «هم زبان کودکان باید گشاد» در این خوانش، اصلی ارتباطی درباره تناسب واژه، معنا و ظرفیت ادراک مخاطب است.

نتیجه‌گیری: آرای مولانا معادل نظریه‌های روانشناسی جدید نیست، اما میتوان آنها را الگویی ادبی-عرفانی از ارتباط مخاطب‌محور و رشد تدریجی مفاهیم دانست. در ادبیات کودک، این الگو بر انتخاب واژگان، تصویرها و پیچیدگی مفهومی متناسب با سن و تجربه تأکید دارد، به گونه‌ای که متن هم فهم‌پذیر باشد و هم زبان و اندیشه کودک را گسترش دهد.

تاریخ دریافت: ۰۹ خرداد ۱۴۰۵

تاریخ داوری: ۱۱ تیر ۱۴۰۵

تاریخ اصلاح: ۲۶ تیر ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۰ شهریور ۱۴۰۵

کلمات کلیدی:

کودک و نوجوان، اندیشه و زبان، مولانا، مثنوی معنوی، رشد شناختی، ادبیات تعلیمی.

* نویسنده مسئول:

moazzeni@ut.ac.ir

☎ (۹۸ ۲۱)+



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Children's Thought and Language from Rumi's Perspective

A.M. Moazzeni

Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 30 May 2026

Reviewed: 02 July 2026

Revised: 17 July 2026

Accepted: 01 September 2026

KEYWORDS

child and adolescent, language and thought, Rumi, Masnavi-ye Ma'navi, cognitive development, didactic literature.

*Corresponding Author

✉ moazzeni@ut.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Classical Persian literature did not recognize children's literature as an autonomous modern genre; nevertheless, Rumi repeatedly addresses the proportionality of speech to understanding, the child's conceptual world, hearing and speech, and the need to speak in a child's language. This study reconstructs these observations as an account of the relation between language and thought in childhood and examines their implications for Persian children's literature.

METHODOLOGY: The method is descriptive-analytical and comparative. Selected passages from the Masnavi and Fihi Ma Fih are classified under five themes: language–cognition proportionality, vocabulary development, hearing and speech, similar-language communication, and experiential expansion of meaning. They are then cautiously compared with selected propositions in developmental psychology of language, especially Vygotsky, without claiming historical or theoretical identity.

FINDINGS: Rumi distinguishes the child's conceptual world from adult reasoning, recommends adapting discourse to the child's level of understanding, emphasizes prior linguistic input and interaction, and portrays meaning as developing through experience. 'Speaking the language of children' therefore denotes semantic and communicative proportionality, not mere simplification.

CONCLUSION: Rumi's observations may be read as a premodern literary-mystical model of audience-sensitive communication and gradual conceptual development. They are not equivalent to modern psychology, but can be compared with it. For children's literature, the practical consequence is to match vocabulary, imagery, narrative complexity, and conceptual density with age while still expanding the child's language and thought.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.19.8370>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 6	 0	 0

مقدمه

ادبیات کودک و نوجوان در معنای امروزی خود، حاصل تفکیک تدریجی مخاطبان، شناخت ویژگیهای رشدی و پیدایش نهادهای آموزشی و نشر تخصصی است. در سنت کلاسیک فارسی، بسیاری از متنهایی که کودکان در مکتبخانه‌ها میخواندند، اساساً برای مخاطب کودک نوشته نشده بودند؛ شاهنامه، کلیله و دمنه، گلستان، بوستان و مثنوی در اصل آثاری عمومی، تعلیمی، اخلاقی یا عرفانی بودند. با اینحال، همین سنت ادبی دربارهٔ کودک، آموزش، زبان و سازوکار فهم نکته‌هایی درخور توجه دارد که میتوان آنها را با پرسشهای امروز ادبیات کودک بازخوانی کرد. مسئلهٔ اصلی این مقاله، نسبت میان رشد زبان و رشد اندیشه در اشارات مولاناست. پرسش پژوهش این است که مولانا چگونه تفاوت سطح ادراک کودک و بزرگسال، شکل‌گیری گفتار، گسترش معنای واژه و ضرورت تطبیق زبان با مخاطب کودک را صورت‌بندی میکند و این صورت‌بندی چه دلالتی برای آفرینش ادبی امروز دارد. فرضیهٔ مقاله آن است که در آثار مولانا، زبان کودک تنها ابزار انتقال خواسته نیست، بلکه با ظرفیت ادراک، تجربه و تحول مفهومی او پیوند دارد؛ از اینرو، آموزش و ادبیات مؤثر باید میان واژگان و سطح فهم کودک تناسب برقرار کنند. پژوهش حاضر مدعی آن نیست که مولانا نظریه‌ای همسان با روانشناسی تجربی جدید عرضه کرده یا از نظر تاریخی بر نظریه‌پردازان معاصر «تقدم علمی» داشته است. زبان عرفانی و تعلیمی مثنوی، مقصد و دستگاه مفهومی خاص خود را دارد. مقایسهٔ حاضر از نوع گفت‌وگوی مفهومی است: شباهتها و تفاوت‌های کارکردی بررسی میشوند، بی‌آنکه اصطلاحات قدیم و جدید یکسان فرض شوند.

پیشینه پژوهش

پژوهشهای مرتبط با مولانا و کودک را میتوان در دو جهت کلی دید. بخشی از نوشته‌ها بر زبان کودکان و شیوهٔ مخاطب‌قراردادن کودک در مثنوی تمرکز کرده‌اند. جلالی (۱۴۰۰) در مقالهٔ «از زبان خود برون باید شدن» با تکیه بر ابیاتی از مثنوی، بر ضرورت هماهنگی زبان مربی با سن و فهم کودک و نیز ظرفیت همسالان در انتقال پیام تأکید کرده است. جهت دیگر، به قابلیت بازنویسی و اقتباس از حکایتهای مثنوی برای مخاطب کودک و نوجوان میپردازد؛ برای نمونه، حیاتی (۲۰۲۶) ظرفیت گفت‌وگوی نمایشی در شماری از حکایتهای حیوانات مثنوی را برای ادبیات نمایشی کودک و نوجوان بررسی کرده است. تفاوت مقالهٔ حاضر با این دو رویکرد در آن است که مسئلهٔ «زبان کودکان» را به رابطهٔ گسترده‌تر زبان، رشد مفهوم، شنیدن، تجربه و اندیشه پیوند میدهد و از مجموع این مؤلفه‌ها الگویی برای تحلیل و تولید متن کودک استخراج میکند.

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و تطبیقی است. پیکرهٔ اصلی، شواهدی از مثنوی معنوی و فیه مافیه است که مستقیماً به کودک، نطق، شنیدن، فهم مخاطب، هم‌زبانی و رشد عقل مربوطند. این شواهد نخست بر اساس کارکرد مفهومی دسته‌بندی و سپس با برخی گزاره‌های روانشناسی رشد زبان، به‌ویژه آرای ویگوتسکی، مقایسه شده‌اند. در نقل ابیات، برای پرهیز از اختلاف چاپها، ارجاع اصلی با ذکر دفتر و شمارهٔ بیت آمده است. معیار تحلیل، نه مشابهت واژگانی، بلکه نقش هر گزاره در توضیح رابطهٔ زبان و فهم است.

مبانی نظری: زبان، نطق و رشد مفهوم

مولانا در برخی مواضع، حقیقت انسان را با «اندیشه» و «نطق» توضیح میدهد. در سنت منطقی، «ناطق» در تعریف «الانسان حیوان ناطق» صرفاً به معنای سخنگویی ظاهری نیست، بلکه به قوهٔ ادراک و تعقل اشاره دارد. مولانا نیز در فیه مافیه، هنگام توضیح بیت «ای برادر تو همان اندیشه‌ای»، از «نطق» به معنایی فراتر از گفتار لفظی سخن

میگوید و کلام آشکار را ظهور و صورت بیرونی معنایی میداند که پیش از تلفظ در انسان حضور دارد (مولوی، ۱۳۳۰: ۱۹۶). بنابراین، در این مقاله باید میان سه سطح تمایز نهاد: توان ادراک و مفهوم‌سازی، زبان درونی یا معنایی، و گفتار بیرونی.

در روانشناسی رشد نیز رابطه زبان و اندیشه رابطه ساده و یک‌سویه‌ای تلقی نمیشود. ویگوتسکی نشان میدهد که ریشه‌های گفتار و تفکر در آغاز رشد کاملاً منطبق نیستند و در نقطه‌ای از تحول کودک، گفتار عقلانی و اندیشه کلامی به یکدیگر پیوند میخورند (ویگوتسکی، ۱۳۸۷: ۷۹-۸۰). این نکته امکان میدهد که اشارات مولانا به «فکر طفلان»، شنیدن، تقلید و سپس گسترش معنا را نه به عنوان معادل نظریه ویگوتسکی، بلکه به صورت الگویی قابل مقایسه مطالعه کنیم.

تناسب زبان با سطح فهم کودک

صریح‌ترین اصل تربیتی در سخن مولانا، تناسب گفتار با سطح فهم مخاطب است. او در تفسیر این معنا که سخن باید به اندازه عقل شنونده باشد، نمونه کودک را پیش میکشد:

هم زبان کودکان باید گشاد	چونک با کودک سروکارم فتاد
یا مویز و جوز و فستق آورم	که برو کتاب تا مرغت خرم

مثنوی، دفتر چهارم، بیت ۲۵۷۷ و پس از آن

در اینجا «زبان کودکان» تنها واژگان ساده نیست. وعده «مرغ»، «مویز»، «جوز» و «فستق» نشان میدهد که گوینده باید از جهان تجربه و انگیزش کودک آغاز کند. در نتیجه، تناسب زبان، هم واژگانی است و هم مفهومی و عاطفی. زبان مؤثر زبانی است که برای مخاطب نقطه اتصال با تجربه‌ای آشنا فراهم آورد. مولانا همین اصل را در مقام تعلیم نیز گسترش میدهد. پدر، هرچند عقل و دانشی فراتر دارد، برای آموزش کودک ناگزیر است از زبان خود بیرون آید و در زبان او وارد شود:

گرچه عقلش هندسه گیتی کند	بهر طفل نو پدر تی تی کند
از زبان خود برون باید شدن	از پی تعلیم آن بسته‌دهن
تا بیاموزد ز نو او علم و فن	در زبان او ببايد آمدن

مثنوی، دفتر دوم، ابیات ۳۳۱۵-۳۳۱۸

اهمیت این ابیات برای ادبیات کودک در آن است که ساده‌نویسی را با سطحی‌نویسی یکی نمیکند. گوینده میتواند اندیشه پیچیده داشته باشد، اما برای انتقال آن باید صورت زبانی مناسب مخاطب را بیابد. در نتیجه، ارزش اثر کودک نه در کم‌مایگی محتوا، بلکه در توانایی تبدیل محتوای سنجیده به زبانی متناسب با ظرفیت دریافت کودک است.

جهان مفهومی کودک و رشد واژگان

مولانا میان افق مفهومی کودک و بزرگسال تمایز میگذارد و برای نشان دادن محدودیت طبیعی جهان ذهنی کودک، از نیازهای ملموس و نزدیک مثال می‌آورد:

کو خیال او و کو تحقیق راست	طفل ره را فکر مردان کجاست؟
یا مویز و جوز یا گریه و نغیر	فکر طفلان دایه باشد یا که شیر

مثنوی، دفتر پنجم، ابیات ۱۲۸۷-۱۲۸۸

این ابیات را نباید تحقیر کودک دانست؛ سخن درباره تفاوت مرحله رشد و تفاوت موضوعات مورد توجه است. کودک از تجربه‌های محسوس و نیازهای بی‌واسطه آغاز میکند و به تدریج، با رشد شناختی و گسترش تجربه، به شبکه‌های مفهومی پیچیده‌تر دست مییابد. در زبانشناسی رشد نیز یادگیری واژه صرفاً حفظ یک برچسب ثابت نیست. ویگوتسکی تصریح میکند که معنای کلمه رشد میکند و همراه با تحول عقلانی، تعمیمهای کودک از سطوح ابتدایی به سطوح پیچیده‌تر میروند (ویگوتسکی، ۱۳۸۷: ۱۳۲، ۱۶۴).

از این منظر، گسترش واژگان به معنای افزودن فهرستی از واژه‌ها نیست؛ بلکه هر واژه در شبکه تجربه و مفهوم، تدریجاً ظرفیت معنایی بیشتری پیدا میکند. این نکته برای نویسنده کودک مهم است: واژه آشنا میتواند حامل مفهوم تازه باشد، به شرط آنکه متن پلی میان تجربه شناخته‌شده و معنای تازه بسازد. قیاس، داستان، تصویر و تکرار هدفمند از ابزارهای چنین گسترش‌دهند.

شنیدن، گفتار و تعامل اجتماعی

مولانا در یکی از روشن‌ترین قطعات خود، بر تقدم شنیدن در شکل‌گیری گفتار شفاهی تأکید میکند:

مدتی خاموش باشد جمله گوش	کودک اول چون بزاید، شیر نوش
از سخن تا او سخن آموختن	مدتی مییادش لب دوختن
سوی منطق از ره سمع اندر آ	زانک اول سمع باید نطق را

مثنوی، دفتر اول، ابیات ۱۶۲۹-۱۶۳۲

در چارچوب دانش روزگار مولانا، شنیدن راه اصلی ورود کودک به گفتار دانسته شده است. از منظر امروز این حکم را نباید درباره توان زبان‌آموزی افراد ناشنوا مطلق کرد؛ نکته مهم برای بحث حاضر، تقدم «ورودی زبانی» بر تولید گفتار است.

این برداشت با تأکید روانشناسی رشد بر نقش تعامل اجتماعی در رشد زبان قابل گفت‌وگوست. در نگاه ویگوتسکی، زبان در بافت تعامل با دیگران شکل میگیرد و سپس در سازماندهی اندیشه کودک نقشی فعال پیدا میکند. از اینرو، محیط زبانی خانواده و مدرسه نه فقط منبع واژه، بلکه منبع الگوهای کاربرد، معنا، نوبت‌گیری در گفت‌وگو و سازماندهی تجربه است.

همزبانی، سنخیت و اثرگذاری

مولانا همزبانی را شرط اثرگذاری میدانند. در حکایت کودک بر ناودان، حضور کودکی دیگر به سبب سنخیت، رفتار کودک را تغییر میدهد:

تا ببیند جنس خود را آن غلام	گفت طفلی را برآور هم به بام
جنس بر جنس است عاشق جاودان	سوی جنس آید سبک زان ناودان

مثنوی، دفتر چهارم، ابیات ۲۶۶۳-۲۶۶۵

صرف‌نظر از جنبه تمثیلی حکایت، سازوکار ارتباطی آن روشن است: همسن، همزبان و هم‌تجربه‌بودن میتواند مقاومت ارتباطی را کاهش دهد. در ادبیات کودک، این اصل به معنای اهمیت زاویه دید کودک، شخصیت‌های همسن، گفت‌وگوهای باورپذیر و موقعیتهایی است که کودک خود را در آنها بازمی‌شناسد. متن هنگامی مؤثرتر است که کودک فقط «موضوع» آن نباشد، بلکه منطق ادراک و زبان او در ساخت اثر حضور داشته باشد.

مولانا این معنا را در سطحی کلی‌تر نیز با مفهوم همزبانی بیان میکند:

بی‌زبان شد گرچه دارد صد نوا

هر که او از همزبانی شد جدا

مثنوی، دفتر اول، بیت ۲۸

برای نویسندهٔ کودک، «صد نوا» بدون همزبانی کارآمد نیست. ممکن است متن از نظر دانش، اخلاق یا زیبایی غنی باشد، اما اگر سطح واژگان، نحو، تصویر یا مسئلهٔ روایت با جهان کودک تناسب نداشته باشد، ظرفیت ارتباطی آن کاهش مییابد.

تجربه و گسترش معنا

رشد زبان کودک فقط حاصل شنیدن واژه‌های بیشتر نیست؛ تجربه‌های تازه، رابطهٔ کودک با جهان و برخورد او با دیگران نیز زمینهٔ گسترش مفهوم را فراهم میکنند. مولانا حرکت از «اقلیم»ی به «اقلیم» دیگر را تصویری برای ارتقای ادراک میسازد:

تا شد اکنون عاقل و دانا و زفت

هم‌چنین اقلیم تا اقلیم رفت

هم ازین عقلش تحرک کردنیست

عقلهای اولینش یاد نیست

مثنوی، دفتر چهارم، در مجموعهٔ ابیات ۳۶۲۹-۳۶۶۱

این تصویر، در متن عرفانی مولانا معنایی فراتر از رشد کودک دارد، اما در سطح کارکردی نشان میدهد که تغییر افق تجربه میتواند سطح ادراک را دگرگون کند. کورنفورت نیز در بحث رشد شناخت بر گسترش تدریجی دامنه ادراک در پی فعالیت و برخورد اجتماعی تأکید میکند (کورنفورت، ۱۳۵۷: ۴۱، ۲۲۴-۲۲۵). برای ادبیات کودک، نتیجه آن است که متن باید تنها با دانسته‌های موجود کودک سازگار نباشد؛ باید اندکی فراتر از آنها حرکت کند و امکان تجربه و مفهوم تازه را فراهم سازد.

دلالت‌های نظری برای ادبیات کودک و نوجوان

برآیند شواهد مولانا را میتوان در پنج اصل برای تولید و ارزیابی متن کودک خلاصه کرد. نخست، تناسب واژگانی: واژه‌ها باید با سطح خواندن و دانش زبانی مخاطب سازگار باشند. دوم، تناسب مفهومی: حتی واژه‌های ساده اگر حامل مفاهیمی بیرون از تجربه کودک باشند، فهم را دشوار میکنند. سوم، پیوند با تجربه: تصویرها و مثالها باید از جهان محسوس و عاطفی کودک آغاز کنند و سپس افق او را گسترش دهند. چهارم، تعامل و همزبانی: زاویهٔ دید، گفت‌وگو و شخصیت‌پردازی باید امکان همذات‌پنداری و مشارکت را ایجاد کنند. پنجم، رشدآفرینی: متن خوب در سطح موجود کودک متوقف نمیماند، بلکه با ایجاد قیاس، پرسش، تعلیق و کشف، او را به سطحی اندکی بالاتر میبرد.

از این دیدگاه، تدوین فرهنگ‌های واژگانی سن‌محور، پیکره‌های زبانی کودک و فهرستهای بسامدی میتواند برای نویسندگان و ویراستاران سودمند باشد، اما چنین ابزارهایی نباید به فهرست ممنوع و مجاز واژه‌ها فروکاسته شوند. معنای واژه با بافت، تصویر، تجربه و ساخت روایت شکل میگیرد. بنابراین، سنجش دشواری متن کودک باید همزمان واژگان، طول جمله، ساخت نحوی، بار استعاری، دانش پیشین و پیچیدگی روایی را در نظر گیرد. خوانش مولانا از این جهت راهگشاست که کودک را مخاطبی با افق مستقل میبیند و از گوینده میخواهد برای تعلیم «از زبان خود برون» شود. این اصل، با حفظ فاصلهٔ تاریخی و معرفتی، میتواند مبنای رویکردی مخاطب‌محور در ادبیات کودک فارسی باشد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که اشارات مولانا به کودک و زبان، پراکنده اما از نظر مفهومی قابل سازماندهی هستند. نخست، مولانا میان جهان ادراکی کودک و بزرگسال تفاوت میگذارد و اثرگذاری را در گرو تناسب گفتار با سطح فهم مخاطب میداند. دوم، در سخن او، واژه و مفهوم اموری ایستا نیستند و کودک با رشد فهم و تجربه، از نیازهای بی‌واسطه به سطوح پیچیده‌تر معنا حرکت میکند. سوم، شنیدن و حضور در محیط زبانی، پیش‌زمینه تولید گفتار شفاهی دانسته میشود. چهارم، هم‌زمانی و سنخیت در تعامل، نیروی جاذبه ارتباطی دارند. پنجم، تجربه‌های تازه و معاشرت با دیگران افق ادراک را گسترش میدهند.

این نتایج با بعضی مباحث روانشناسی رشد زبان، به‌ویژه درباره رابطه گفتار و تفکر، تحول معنای کلمه و نقش تعامل اجتماعی، قابلیت مقایسه دارند؛ اما این قابلیت به معنای یکی‌بودن دو دستگاه نظری نیست. مزیت بازخوانی مولانا در آن است که از درون میراث ادبی فارسی، اصلی روشن برای مخاطب‌محوری به دست میدهد: زبان متن باید با سطح ادراک کودک تماس برقرار کند و در همان حال، امکان عبور او به افقی گسترده‌تر را فراهم آورد. از منظر کاربردی، آفرینندگان ادبیات کودک و نوجوان باید در کنار محتوای اخلاقی یا آموزشی، به سطح واژگانی، تجربه زیسته، پیچیدگی تصویر، نحو، زاویه دید و ظرفیت شناختی گروه سنی توجه کنند. پیشنهاد میشود در پژوهشهای آینده، این الگو با تحلیل پیکره‌ای کتابهای کودک در گروههای سنی مختلف و نیز مطالعات خوانش با کودکان آزموده شود تا رابطه میان دشواری زبانی، فهم و لذت خواندن با داده‌های تجربی سنجیده شود.

تعارض منافع

نویسنده این مقاله گواهی مینماید که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسنده است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. در این تحقیق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی رعایت شده و هیچ تخلف و تقلبی در آن صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش برعهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را برعهده میگیرند.

REFERENCES

- Jalali, M. (2022). Az zaban-e khod borun bayad shodan: Negahi be zaban-e kudaki dar Masnavi-ye Ma'navi [One must step outside one's own language: A look at child language in the Masnavi]. *Roshd Modiriat-e Madreseh*, 20(6), 32–33. [In Persian].
- Hayati, Z. (2026). Exploring the adaptation of mystical Masnavi stories into children's and teenagers' drama literature: A case study on dramatic dialogue in ten animal stories. *Researches in Mystical Literature*, 20(1), 21–50. <https://doi.org/10.22108/jpll.2025.145891.1941> [In Persian].
- Cornforth, M. (1978). *Nazariyeh-ye Shenakht [Theory of Knowledge]* (F. Nomani & M. Sanchian, Trans.). Tehran: Jibi Books. [In Persian].
- Rumi, J. M. (1951). *Fihi Ma Fih [Discourses of Rumi]* (B. Forouzanfar, Ed.). Tehran: University of Tehran Press. [In Persian].

- Rumi, J. M. (1996). *Masnavi-ye Ma'navi [The Masnavi]* (R. A. Nicholson, Ed.). Tehran: Tus Publications. [In Persian].
- Vygotsky, L. S. (2008). *Andisheh va Zaban [Thought and Language]* (H. Qasemzadeh, Trans., 7th ed.). Tehran: Arjmand. [In Persian].

فهرست منابع فارسی

- جلالی، محمد (۱۴۰۰). «از زبان خود برون باید شدن: نگاهی به زبان کودکی در مثنوی معنوی». رشد مدیریت مدرسه، دوره ۲۰، شماره ۶، صص ۳۲-۳۳.
- حیاتی، زهرا (۲۰۲۶). «ظرفیتهای اقتباس از مثنوی در ادبیات نمایی کودک و نوجوان (مطالعه موردی گفت‌وگوی نمایی در ده حکایت از داستانهای حیوانات)». پژوهشهای ادبیات عرفانی، دوره ۲۰، شماره ۱، صص ۲۱-۵۰. DOI: ۱۰.۲۲۱۰۸/jpl/۱۹۴۱.۱۴۵۸۹۱.۲۰۲۵.
- کورنفورت، موریس (۱۳۵۷). نظریه شناخت، ترجمه فرهاد نعمانی و منوچهر سنجیان. تهران: کتابهای جیبی.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۳۰). *فیه مافیه*، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۵). *مثنوی معنوی*، تصحیح رینولد الین نیکلسون. تهران: انتشارات توس.
- ویگوتسکی، لو سمینوویچ (۱۳۸۷). *اندیشه و زبان*، ترجمه حبیب‌الله قاسم‌زاده، چاپ هفتم. تهران: نشر ارجمند.

معرفی نویسنده

علی محمد مؤذنی: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(Email: moazzeni@ut.ac.ir)

(ORCID: [0000-0002-3950-7138](https://orcid.org/0000-0002-3950-7138))

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Ali Mohammad Moazzeni: Ali Mohammad Moezni: Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Email: moazzeni@ut.ac.ir)

(ORCID: [0000-0002-3950-7138](https://orcid.org/0000-0002-3950-7138))